گزارش کوتاه

پایان مذاکرات دوروزه کارشناسی ایران و ۵+۱

مذاکرات کارشناسی ایران و گروه ۵+۱ که روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در وین آغاز شده بود، پایان یافت. به گزارش ایسنا، حمید بعیدی‌نژاد مدیرکل سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، سرپرست هیأت مذاکره‌کننده ایران با ۵+۱ بود. این مذاکرات در چارچوب تصمیم وزیران خارجه ایران و ۵+۱ و کاترین اشتون که هفته گذشته در وین برگزار شد، بود. در این نشست دوروزه کارشناسان ایران و ۵+۱ در مجموع ۱۰ ساعت درباره برخی موارد اختلافی به‌طور صریح و جدی گفت‌وگو کردند. حمید بعیدی‌نژاد پس از این مذاکرات با اعلام این مطلب به ایسنا گفت: «به اذعان همه اعضا، بحث‌های انجام‌شده برای اخذ تصمیمات سیاسی مفید بود.» وی اظهار کرد: گزارش مذاکرات کارشناسی به مسئولان عالی ارایه خواهد شد. حمید بعیدی‌نژاد پس از پایان نشست دوروزه کارشناسی با کشورهای گروه ۵+۱ که در مقر سازمان ملل در وین جریان داشت، گفت: همان‌طور که مستحضر هستید ما در یک مرحله حساسی از مذاکرات هستیم و به روزهایی که به‌عنوان زمان پایان مذاکرات تعیین شده است هرچه بیشتر نزدیک می‌شویم، طبیعتا اختلاف نظرهایی در برخی از موضوعات مهم وجود دارد که براساس تصمیمی که مسئولان عالی گرفته‌اند، قرار شد یک جلسه کارشناسی داشته باشیم که بتوانیم برخی از این موضوعات مورد اختلاف را با مشارکت همه اعضای ۵+۱ مورد بحث قرار بدهیم.

ادامه از صفحه یک

«اتا» ارزیابی فراموش شده*

مطالعات نشان داد که طرح کرخه در صورت انجام و بهره‌برداری آن، مطابق موارد پیش‌بینی‌شده پس از ۵۰ سال در برابر هر صد تومانی که برایش خرج شود، سودآوری و بازدهی خوبی خواهد داشت (بالحاظ سودهای سالیانه و...). درحالی که در طرح سازبن به ازای هر ۱۰۰ تومانی که هزینه شود، فقط حدود ۱۶ تومان بازگشت خواهد داشت (۸۴ درصد ضرر) و انجام آن کاملاً غیرمنطقی است. به همین دلیل نیز احداث آن سد در آن مرحله و پس از صرف هزینه‌های زیاد متوقف شد. ارزیابی اقتصادی و اجتماعی طرح‌ها پس از پایان طرح نیز انجام می‌شود تا برای موارد دیگر درس‌آموزی شود. این مقدمه طولانی گفته شد تا به طرح بزرگ تونل و پل نیایش پرداخته شود. یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های کشور در دهه گذشته، تونل و پل نیایش بوده است. هرچند هنوز هم ارقام دقیقی از هزینه‌های این طرح در اختیار مردم قرار نگرفته و برخی برآوردها حاکی از چند برابر بودن هزینه نسبت به ادعاهای اولیه است. ولی در یک نکته اتفاق نظر است که هزینه اجرای این طرح در تهران تا حدود یک‌ششم کل هزینه‌های عمرانی در یک‌سال کشور بوده و این سهم بسیار بالایی است. مسأله امروز ما این است که این هزینه‌ها به هر دلیلی که صرف شده باشد، آیا اکنون این طرح به اهداف خود رسیده است؟ کافی است که بعد از ظهرها از طرف غرب به شرق این طرح حرکت کنید (شرق به غرب را نمی‌دانم چون در آن حرکت نکرده‌ام). نقطه آغازین این ترافیک که قبلاً در ابتدای اتوبان صدر بود، اکنون یک کیلومتر قبل‌تر از تونل نیایش در اتوبان نیایش است که بیش از ۴۵ دقیقه طول می‌کشد این مسیر را بتوان طی کرد. قبلاً هم با راه‌اندازی تونل‌های رسالت و توحید گفته می‌شد که دیگر شاهد ترافیک نخواهیم بود. زیرگذرهای آل احمد نیز وضع مشابهی دارند و ترافیک آنها کمتر که نشده هیچ، بیشتر هم شده است. تردیدی نیست که این طرح‌ها منافعی داشته‌اند. ولی در این میان پرسش‌های مهمی مطرح است که باید پاسخ داده شود:

۱- طرح‌های توجیهی اولیه آنها چه نتایجی یا چه هزینه‌هایی را برای اجرای این طرح‌ها منظور داشته بود؟ آیا رسیدن به آن اهداف با آن هزینه‌ها تناسب داشت و بهترین هزینه برای شهر محسوب می‌شد؟

۲- اکنون که طرح‌ها به انجام رسیده است، آیا هزینه‌ها همان مقدار است که پیش‌بینی شده بود یا بسیار بیشتر است؟

۳- اکنون که طرح‌ها انجام شده، آیا اهداف آن همان گونه است که پیش از اجرا برآورد شده بود یا آن که بخش کوچکی از آن محقق شده است؟

به نظر می‌رسد که اگر این سه پاسخ درباره طرح‌های عمرانی کشور و نیز شهروندان ارایه شود، بسیاری از این طرح‌ها شکست خورده محسوب خواهند شد، حتی اگر به لحاظ سازه و ماندگاری جالب و توی چشم باشند، ولی رضایت از زندگی شهری را بهبود نمی‌بخشند.

امیدواریم که دولت این کار را برای طرح‌های اقتصادی خود انجام دهد و شهرداری تهران نیز برای هر سه تونل رسالت، توحید و نیایش و پل‌های آن به علاوه تونل در دست احداث در منطقه ۱۲ ارایه نمایند. البته به نظر می‌رسد که ارزیابی پس از احداث این طرح‌ها انجام نشده است و احتمالاً هم نخواهد شد! تا وقتی که نتوانیم منابع کم و محدود خود را به بهترین صورت و با بالاترین بهره‌وری استفاده کنیم، در توسعه اقتصادی و قدم گذاشتن به یک جامعه مدرن موفق نخواهیم بود.

*** «آتا»، مخفف ارزیابی تاثیرات اجتماعی طرح است که در این جا ارزیابی تمام وجوه طرح پس از اجرا مورد نظر است.**

وزیر خارجه آمریکا با اشاره به مذاکرات هسته‌ای:

جهان خواهان توافق نهایی هسته‌ای با ایران است

وزیر خارجه آمریکا و معاونش اعلام کردند که زمان برای توافق نهایی با ایران تا ۲۴ نوامبر کافی است

شهروند| کمتر از ۴۰ روز مانده به پایان ضرب‌الاجل مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱، جان کری، وزیر امورخارجه آمریکا در کنفرانس خبری مشترکی با فرانک‌والتر اشتاین‌مایر، همتای آلمانی در خصوص روند مذاکرات هسته‌ای با ایران ضمن تأکید بر این که «جهان خواهان دستیابی به توافق نهایی در مذاکرات هسته‌ای است.» صراحتا اعلام کرد که «زمان برای دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران کافی است.» سخنان جان کری درحالی ایراد می‌شود که براساس اخبار منتشرشده، دولت اوباما تلاش‌هایی را برای راضی کردن کنگره آمریکا در لغو تحریم‌های ایران، در صورت دستیابی به توافق نهایی آغاز کرده است. روزنامه وال‌استریت‌ژورنال روز پنجشنبه از آغاز تلاش‌های دولت آمریکا برای راضی کردن کنگره و منتقدان داخلی به پذیرش توافق هسته‌ای با ایران، خبر داد. درحالی که طرفین تنها کمی بیش از یک ماه تا ضرب‌الاجل مذاکرات زمان دارند، مطرح شدن بحث‌هایی در مورد احتمال تعلیق تحریم‌های ایران از سوی واشنگتن بدون دریافت مجوز از کنگره، در روزهای اخیر جنجال‌آفرین شده است. به گزارش ایسنا، جان کری نیز در کنفرانس خبری خود در پاسخ به سوالی درباره مذاکرات ایران و گروه ۵+۱، گفت: «من درباره مذاکرات ابراز امیدواری می‌کنم نه خوش‌بینی. ما امیدوار هستیم که بتوانیم پلی میان فاصله‌هایی که هنوز وجود دارد میان دوطرف برقرار کنیم. هر دو طرف جدی و فشرده گفت‌وگو می‌کنند. من فکر می‌کنم آنها درک کرده‌اند که در مذاکرات چه چیزی نیاز است. ما به دنبال دستیابی به این اتفاق هستیم که ضرب‌الاجل اعلام شده دراین‌باره کافی است.» وی ادامه داد: من دراین‌جا به جزییات مذاکرات اشاره‌ای نمی‌کنم چون ما عمومی مذاکره نمی‌کنیم. من فکر می‌کنم این اشتباه است اما به شما اعلام می‌کنم که ما امیدواریم و بسیار سخت کار می‌کنیم. تیم ایران در مذاکرات سرسخت و آگاه هستند و دشوار مذاکره می‌کنند اما آنها نیز به‌طور جدی در مذاکرات حضور دارند و گفت‌وگو می‌کنند. ما مذاکرات را در هفته‌های آینده با امیدواری به این که می‌توانیم به توافق هسته‌ای دست یابیم ادامه می‌دهیم. من فکر می‌کنم جهان نیز خواهان دستیابی به چنین توافقی است. از سوی دیگر وندی شرمن، مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی در سخنانی در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل با اشاره به توافق موقتی که سال گذشته در شهر ژنو سوییس به دست آمد، گفت: «در آن زمان بسیاری تردید داشتند که ایران به تعهدات خود در توافق عمل کند. اما همان‌طور که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرده است، ایران به وعده‌های خود عمل کرد.» نماینده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای با اشاره به نتایج برنامه مشترک اقدام و تعلیق بخشی از تحریم‌ها، گفت باقی تحریم‌ها تنها در صورتی برداشته می‌شود که ۵+۱ و ایران به توافقی جامع دست یابند که جهان را از ماهیت صرفا صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای تهران، مطمئن سازد. وی با بیان این که ۵+۱ طرح‌هایی به تهران پیشنهاد کرده که نیازهای اعلام‌شده ایران و اهداف علمی و عملی این کشور را تأمین می‌کند، گفت ایران با توجه به اهداف اعلام‌شده خود، هرگز «شانسی بهتر از الان تا روز ۲۴ نوامبر» نخواهد داشت، «اما آیا این توافق صورت می‌گیرد؟ نمی‌دانم.» وی با خواندن شعری از سعدی شاعر ایرانی، گفت باید صبور بود، چراکه هر راحتی‌ای، پس از دشواری‌ها حاصل می‌شود. وی تصریح کرد که طرفین اکنون در موقعیت دشوار مذاکرات قرار دارند. وی در پاسخ به سوال خبرنگاری که پرسید آیا رسیدن به توافق به معنی برداشته شدن تمامی تحریم‌هاست، گفت: «ما در این مورد به صراحت اعلام کرده‌ایم که تحریم‌های مربوط به حقوق بشر و تروریسم پابرجا می‌ماند و بحث ما تنها درمورد تحریم‌های مرتبط با مسأله هسته‌ای است.»

کارشناسان آمریکایی خبر دادند

حملات شیمیایی داعش در عراق

احتمال می‌رود داعش از گاز کلر در انفجاری در نزدیکی بغداد استفاده کرده باشد

شهروند| سرگیجه، تهوع و دشواری تنفس یازده افسر پلیس عراق را در ماه گذشته راهی بیمارستانی دولتی در ۵۰ کیلومتری شمال بغداد کرد. تشخیص پزشکان مسمومیت گاز کلر بود و بنابر گفته این افسران عامل آن تروریست‌های داعش بودند.

مقامات امنیتی آمریکا روز پنجشنبه از بررسی گزارش تازه‌ای خبر دادند که در آن عنوان شده نیروهای داعش از گاز کلر به‌عنوان سلاحی در برابر پلیس عراق استفاده کرده‌اند. این گزارش تازه درخصوص حملات ماه گذشته تروریست‌های داعش در نزدیکی «بلد» در شمال بغداد است. بنابر گزارش واشنگتن‌پست، در یکی از انفجارهایی که توسط داعش صورت گرفت حجم انبوهی از گازی زردرنگ منتشر شده که در فاصله‌ای نزدیک به سطح زمین معلق مانده است. به گفته مقامات بیمارستانی که به درمان قربانیان این انفجار پرداخته همچنین یکی از مقامات وزارت دفاع عراق، بکارگیری گاز کلر علیه نیروهای امنیتی عراق در این حمله تأیید شده است. یازده افسر بداقبالی که در این حمله هدف قرار گرفته‌اند به مشکلات جسمانی گرفتار شده‌اند، هرچند تمامی آنها جان به در برده‌اند. از زمان شروع پیشروی داعش در عراق و تصرف مناطقی در خاک این کشور، گاه و بیگاه گزارش‌هایی درخصوص بمب‌های دست‌ساز شبه‌نظامیان داعش با استفاده از گاز کلر صورت گرفته است. این گزارش‌ها نگرانی‌هایی را درخصوص این که تسلیحات شیمیایی قدیمی عراق به دست شبه‌نظامیان افتاده باشد، پدید آورده است. «الیستر بسکی»، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا از بررسی این گزارش تازه توسط مقامات آمریکایی خبر داد. وی در این خصوص گفت: «ما پیگیری تمامی اتهامات در مورد استفاده از تسلیحات شیمیایی به‌ویژه اتهامات اخیر درخصوص استفاده از گاز کلر را با جدیت تمام ادامه خواهیم داد.» سخنگوی شورای امنیت آمریکا در ادامه گفت: «ما از این گزارش‌ها اطلاع داریم اما نمی‌توانیم جزییات آن را تأیید کنیم و به‌دنبال اطلاعات بیشتری هستیم. استفاده از گاز کلر به‌عنوان یک سلاح شیمیایی عمل شنیعی است. اتهامات اخیر بیانگر اهمیت کار ما در از بین بردن تسلیحات شیمیایی در این منطقه پرتنش است.»

سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در ماه سپتامبر به استفاده از گاز کلر در بخشی از درگیری‌های داخلی سوریه اشاره کرده بود که از قضا داعش نیز یک‌طرف این درگیری‌ها بود. ایالات متحده آمریکا در آن زمان دولت بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه را در این خصوص متهم کرده بود. در صورت تأیید این گزارش تازه، بکارگیری گاز کلر از سوی داعش آخرین مورد استفاده از چنین سلاحی پس از مداخله نظامی سال ۲۰۰۳ آمریکا در عراق است. در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ از چنین تسلیحاتی به‌طور متناوب علیه نیروهای آمریکایی و عراقی و غیرنظامیان استفاده شد. در اوایل سال ۲۰۰۷ نیز احتمال چنین حملاتی در عراق و به‌طور خاص استان الانبار شدت گرفت. در این سال نیروهای آمریکایی و عراقی در تلاش بودند تا کنترل این منطقه را از دست شاخه عراقی تروریست‌های القاعده بازپس بگیرند. چنین تسلیحاتی اغلب با ترکیب مواد منفجره رایج و سیلندرهایی حاوی کلر که معمولا برای تصفیه به کار می‌رود ساخته می‌شود. شبه‌نظامیان در مواردی مواد منفجره را روی تانکرهای کلر نصب می‌کنند یا کامیون‌هایی را مملو از کلر می‌کنند و آنها را به بمب‌های متحرک غول‌آسایی بدل می‌کنند، البته بنابر گفته کارشناسان آمریکایی که در جریان ماموریت‌هایشان چنین بمب‌هایی را مورد بررسی قرار داده‌اند، تأثیر این بمب‌های دست‌ساز بسیار کمتر از تسلیحات شیمیایی است و تلفاتی که انفجار این بمب‌ها به‌جا می‌گذارد بیشتر در نتیجه ترکش‌های معمول انفجار است.

یادداشت

آرمین منتظری
دبیر گروه سیاسی

سرنوشت دموکراسی تزریقی

جهان امروز در آشوب است. هرج‌ومرج، بی‌نظمی، شورش و ناامنی در صدر اخبار رسانه‌هاست. عراق سه تکه شده است. بخشی در دست دولت مرکزی، بخشی در اختیار داعش و بخشی هم در اختیار دولت اقلیم کردستان. سوریه هم به همین شکل در کشمکش میان داعش، جبهه النصره و دولت مرکزی رنج می‌بیند و ویران می‌شود. در لیبی و یمن نیز ناامنی و کشمکش در جریان است. در لبنان، هر از چندگاهی جنگ داخلی سر برمی‌آورد و امروز هم اختلافات داخلی موجب شده تا توافقی برای تعیین رئیس‌جمهوری حاصل نشود. مصر نیز سفری اعجاب‌انگیز از دیکتاتوری به سمت دموکراسی و بازهم دیکتاتوری نظامی طی کرده و امروز قدرت بار دیگر در دستان نظامیان «مبارک‌منش» است. افغانستان و پاکستان نیز در طول سال‌های گذشته هرگز روی آرامش ندیده‌اند. او کراین به کشوری ضعیف تبدیل شده و نظم سیاسی در این کشور مختل شده است. در آن سوی جهان و در قاره آفریقا نیز ویروس ابولا همچون هیولایی تنوره می‌کشد و قربانی می‌گیرد و کشورهای غرب آفریقا که در دهه ۹۰ میلادی دچار نوعی فروپاشی شده و هرج‌ومرج را تجربه کرده‌اند، هیچ‌قوتی برای مبارزه با ابولا ندارند. در دیگر سو، نیجریه نیز با شورش اسلامگرایان تندرویی به نام بوکوحرام مواجه است. شورشی که به‌نظر می‌رسد ریشه در تنش‌های منطقه‌ای میان مسلمانان در شمال و مسیحیان در جنوب داشته باشد. سودان جنوبی هم حال و روز خوبی ندارد. از یک‌سو متحمل دخالت‌های غربی‌هاست و از سوی دیگر تبعات جنگ‌های قبیله‌ای را متحمل شده است. جمهوری آفریقای مرکزی نیز که دیگر نمی‌توان آن را دولت نامید، درگیر خشونت‌های مذهبی است که نتیجه‌اش کشته شدن هزاران نفر بوده است. سومالی هم مشکلات مشابهی دارد و اسیر شورش اسلامگران تندروی مسلح است. در آن سوی جهان، در ونزوئلا، کمبود مواد غذایی، می‌تواند آغازگر یک شورش و نارضایتی عمومی باشد. بروز چنین هرج‌ومرجی در سراسر جهان به واقع مایه نگرانی است. کشورهایی دچار هرج‌ومرج هستند که نخبگانشان زمانی با این تفکر که می‌خواهند از زیر یوغ استعمار و دیکتاتوری نجات یابند دست به اعتراض زدند اما در گذر زمان نتوانستند نیازهای خود را مدیریت کنند و توانایی ساختن و به کار گرفتن نهادهای اداره‌کننده دولتی را نداشتند. مشکل از آنجایی آغاز شد که فرض بر این قرار گرفت که تنها نخبگان یک جامعه می‌توانند بر سرنوشت آن جامعه در مواقع حساس اثرگذار باشند.

سوالی که در این میان مطرح می‌شود، این است که جایگاه صبر و شکیبایی در خواسته‌های دموکراسی خواهانه و آزادیخواهانه کجاست؟ آیا دموکراسی دارویی است که می‌توان آن را به نظامی یا حاکمیتی خوراند و سپس به انتظار اثر دارو نشست؟ آیا دموکراسی را می‌توان در ذهن ملتی و عملکرد دولتی تزریق کرد؟ آیا دموکراسی را می‌توان صادر کرد؟ اینها سوالاتی است که امروز بیش از هر زمان دیگری باید به‌دنبال پاسخ‌هایشان بود. پاسخ به این سوالات هم به نقد سیاست‌های ابرقدرت‌ها در دخالت در امور داخلی کشورها به بهانه نهادینه کردن دموکراسی منجر خواهد شد و هم عملکرد منجر به هرج‌ومرج و بی‌نظمی برخی نهادهای مدنی و جریانات تحول‌خواهانه را به نقد خواهد کشید. به این منظور بد نیست نگاهی گذرا به تاریخ بیندازیم. در سال ۱۲۱۵ میلادی، برخی از بارون‌های ذی‌نفوذ انگلیسی قانونی آماده کردند که براساس آن حوزه قدرت پادشاه وقت انگلستان را محدود می‌کرد. اما این قانون تنها نقطه شروعی برای روندی بسیار تدریجی در نهادینه‌شدن دموکراسی و کنار رفتن قدرت پادشاهی در انگلستان بود. روندی که بر بستر تحولات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی حرکت می‌کرد. بسیاری بر این عقیده بودند که پس از این قانون پارلمان انگلیس به‌زودی تشکیل خواهد شد اما تشکیل پارلمان نزدیک به ۵۰ سال طول کشید و در سال ۱۲۶۴، نخستین پارلمان انگلیس تشکیل شد. علاوه بر این حقوق زنان در انگلیس که به راحتی پایمال می‌شد در سال ۱۹۱۸ یعنی نزدیک به ۷۰۰ سال پس از تشکیل پارلمان به تدریج به رسمیت شناخته شد! به دیگر سخن روند نهادینه‌شدن دموکراسی در انگلیس نزدیک به ۷۵۰ سال طول کشید.

واقعیت این است که دموکراسی یک کالا نیست که بتوان به راحتی آن را صادر کرد. بلکه دموکراسی «بیانی» از فرهنگ و تحولات تاریخی است که تنها باید در گذر زمان از آن محافظت شده و فرصت برای رشد و بلوغ آن فراهم شود و در زمان موعود این «بیان» به عمل تبدیل شده و ساختاری باثبات و دموکراتیک را به وجود خواهد آورد. کما اینکه نه عراق، نه افغانستان، نه پاکستان، نه سوریه و نه مصر به چشم برهم زدنی و با تحولی که ریشه در دخالت‌های خارجی دارند، به این بیان نخواهند رسید. این بیان خاص در گذر زمان به وقوع خواهد پیوست و خلق‌الساعه نیست. نکته جالب در مورد انگلستان این است که دموکراسی در این کشور در نتیجه فعالیت‌های جامعه مدنی یا فعالیت فعالان حقوق‌بشر ایجاد نشد بلکه دموکراسی در این کشور در یک بستر و جریان طبیعی و در نتیجه سیاست‌های خونین سلسله پادشاهی در قرون وسطی و تبعات آن و آغاز دوران مدرن شکل گرفت اما در طول این دوران طولانی از «بیان» دموکراسی بسان چینی نازکی محافظت شد. امروز از نظام حاکم بر ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک دموکراسی کارآمد یاد می‌شود. سوال این است که این دموکراسی چگونه به‌وجود آمد؟ آیا منشأ این دموکراسی فعالیت فعالان حقوق‌بشر و جامعه مدنی بوده است؟ ساموئل هانتینگتون، اندیشمند آمریکایی به این سوال پاسخ داده است. هانتینگتون در کتاب «سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی» نهادینه‌شدن دموکراسی در آمریکا را نه حاصل فعالیت‌های حقوق‌بشری و جامعه مدنی بلکه حاصل زاده‌شدن آمریکا با نهادها و شیوه‌هایی می‌داند که به دموکراسی ختم می‌شوند. در واقع هانتینگتون معتقد است آمریکا به‌عنوان کشوری نوظهور که تاریخ چندانی نیز ندارد با دموکراسی زاده شد. نمونه‌های مشابه را می‌توان در کشورهایی نظیر کانادا، استرالیا و نیوزیلند مشاهده کرد. درواقع این کشورها با دموکراسی زاده شده‌اند و به دلیل نوظهور بودنشان دموکراسی در این کشورها روند تاریخی و فرهنگی خود را برای ظهور و بروز طی نکرد، بنابراین می‌توان از این کشورها به‌عنوان استثنا یاد کرد. در آن سو، آلمان و ژاپن را می‌بینیم که آنها هم دموکراسی‌های قابل احترامی هستند. این در حالی است که این دو کشور در جنگ جهانی حاکمیتی فاشیستی داشتند که جهان را به آشوب کشیده بودند اما همان جنگ جهانی دوم که موجب فروپاشی و نابودی کلی سیستم حاکمیتی این دو کشور شد، آغازی بود برای ایجاد دموکراسی در این کشورها. چه این که نظامی که در این دو کشور پس از جنگ جهانی به‌وجود آمد نظامی به کلی تازه با معیارهایی متفاوت بود. این دو کشور را نیز می‌توان جزو استثناها قرار داد.

در آن سو اما، در اروپا از پرتغال و لهستان گرفته تا یونان و نروژ، شاهد دموکراسی‌های باثبات هستیم اما دموکراسی در این کشورها نتیجه تمدن و تحولات فرهنگی است که بورژوازی را درهم شکست. در هند نیز شاهد دموکراسی نسبتا پایداری هستیم. اما دموکراسی در هند نیز بیش از آن که حاصل فعالیت‌های مدنی و سنت پارلمانی باشد، حاصل نوعی اتحاد سیستمی و ساخته شدن تدریجی نهاد حاکمیتی به شکلی باثبات است. اگرچه استعمار انگلیس در هند همراه با خشونت و نژادپرستی بود، اما در نهایت وقتی که هند از زیر یوغ استعمار رها شد، نظامی باثبات و متحد داشت. نظامی که توانست به خوبی با استفاده از سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی ارتباط برقرار کند و روند تثبیت دموکراسی را طی کند. درواقع پس از استقلال هند، این کشور توانست به خوبی خود را با معیارهای دموکراتیک تطبیق دهد.

در دیگر نقاط جهان، شرایط به این خوبی نیست. در آمریکای جنوبی، کشورها تنها در سال‌ها و دهه‌های اخیر دموکراسی را تجربه کرده‌اند و این تجربه، نقش حاکمیت فردی را در نقاطی نظیر اکوادور و بولیوی کاهش داده است. ونزوئلا اما همچنان شرایط ناگواری دارد. در آرژانتین نیز نمی‌توان مدعی شد که کشور دقیقا براساس ارزش‌های دموکراتیک اداره می‌شود. در برخی از کشورهای آمریکای لاتین، دموکراسی تنها روی کاغذ در جریان است و نظام سیاسی مملو از فساد اقتصادی است و حاکمیت بسیار ضعیف قانون است. در آفریقا نیز دموکراسی تنها در حد نام وجود دارد. مردان و رهبران قدرتمند، صندلی قدرت را رهانمی‌کنند. در بسیاری نقاط آفریقا انتخابات برگزار می‌شود اما هیچ کشوری از ثبات سیاسی برخوردار نیست. وقتی از پایتخت‌های کشورهای آفریقایی خارج می‌شویم، دیگر چیزی به نام جامعه مدنی وجود ندارد و هیچ ساختار حاکمیتی دیده نمی‌شود. واقعیت این است که برگزار کردن انتخابات خیلی آسان است اما ساخت نهادهای حاکمیتی براساس قانون آن‌قدر سخت است که ممکن است ده‌ها سال یا بیشتر زمان ببرد. خاورمیانه هم در این میان وضع خوبی ندارد. مراکش و عمان و برخی دیگر از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، توانسته‌اند ثبات نسبی را برقرار کنند اما ثبات در همه این کشورها ریشه در حاکمیتی تمامیت‌خواه دارد نه حاکمیتی دموکرات. تونس البته در این میان دموکراتیک است اما هنوز از ثبات برخوردار نیست. عراق، سوریه، یمن و لیبی همچنان در میانه آشوب و جنگ در آمد و شد هستند.

کوتاه سخن اینکه، ممکن است دموکراسی که غرب آن را به جهان معرفی کرده است، در حال حاضر بهترین نظام پیشنهادی بشر برای حاکمیت بر ملت‌ها باشد اما این دموکراسی هنوز نتوانسته در بسیاری از کشورها خود را با فرهنگ، سنت‌ها و نوع نگاه ملت‌ها به مسائل هماهنگ کند. دموکراسی نیاز دارد تا خود را با واقعیت‌های تاریخی ملت‌ها هماهنگ کند. مسلما خیلی از کشورها را می‌توان روی کاغذ کشوری دموکراتیک نامید اما این کشورها هنوز که هنوز است در مسیر طی کردن تحولاتی تاریخی و فرهنگی برای رسیدن به «بیان» دموکراتیک هستند. دموکراسی را نمی‌توان صادر کرد و هیچ نظریه و استدلال نظری دموکراتیکی نمی‌تواند جایگزین تحولات فرهنگی و تاریخی شود که باید طی سال‌ها یا شاید قرن‌ها حاصل شود. از این منظر صدور دموکراسی با ابزار جنگ، دخالت در فرهنگ عمومی کشورها با ابزارهایی نظیر حقوق بشر و فعال ساختن جامعه مدنی، نخستین نتیجه‌اش بی‌ثبات ساختن نسبی کشور و از میان رفتن همان اندک نظمی است که اگر نباشد، آشوب‌هایی از نوع آنچه در ابتدای این نوشتار آمده را موجب خواهد شد.

اخبار جهان

پلیس کانادا:

عامل حمله به پارلمان قصد داشت به سوریه سفر کند

«مایکل زهاف بیبو» روز چهارشنبه و پس از آن که یک سرباز کانادایی را در محل بنای یادبود جنگ جهانی اول در شهر اوتاوا با شلیک گلوله کشت، وارد ساختمان پارلمان کانادا شد و در نزدیکی محلی که نخست‌وزیر کانادا و نمایندگان پارلمان مشغول دیدار بودند با شلیک گلوله پلیس از پا درآمد. «باب پالسون»، کمیسیونر پلیس کانادا اظهار کرد، عامل این حمله به نام «مایکل زهاف بیبو» یک کانادایی ۳۲ ساله بوده که همچنین تابعیت لیبیایی نیز داشته است. بنا بر اعلام پلیس کانادا، فرد مسلح عامل تیراندازی سابقه جنایی داشته و اخیرا متقاضی دریافت گذرنامه شده بود و قصد داشت به سوریه سفر کند. کمیسیونر پلیس کانادا در این خصوص گفت: «ما باید در مورد فرآیند افراطی شدن این کانادایی تحقیق کرده و آنها را درک کنیم. وی فردی جالب توجه بوده که دارای سابقه جنایی گسترده‌ای است اما برای به افراط کشیده شدن یک راه یا یک فرمول واحد وجود ندارد». به گفته پالسون، پلیس کانادا از تمایل این فرد برای سفر به سوریه هنگامی که مادرش را روز چهارشنبه بازجویی کرد، اطلاع پیدا کرده است. وی همچنین وجود ارتباط بین این حمله با حمله دیگری را که چند روز پیش باعث کشته شدن سرباز کانادایی دیگری در شهر «کبک» شده بود مردود خواند. در روز دوشنبه نیز یک جوان کانادایی که گفته می‌شود عقاید افراطی در سر داشته، با خودروی خود به سوی ۲ سرباز کانادایی حمله کرد و آنها را زیر گرفت. یکی از این دو سرباز بعدا در بیمارستان درگذشت و دیگری هم دچار جراحات زیادی شده است. در نهایت هر ۲ عامل این حملات با شلیک پلیس کشته شدند. پالسون خاطرنشان ساخت: «ما اطلاعاتی نداریم که نشان دهد که این ۲ حمله با یکدیگر مرتبط بوده‌اند».

سازمان ملل برای کمک به کوبانی شرط گذاشت

سازمان ملل در روز پنجشنبه اعلام کرد که برای ارسال کمک‌های انسانی به کوبانی بدون تصمیم شورای امنیت وارد عمل نخواهد شد. این درحالی است که درگیری‌ها میان نیروهای تروریستی داعش و مبارزان کرد در این شهر همچنان ادامه دارد. درحالی که مقامات آمریکایی اعلام کردند، پیشروی داعش در شهر کوبانی سوریه متوقف شده است، منابع سوری از وقوع درگیری‌های شدید میان تروریست‌های داعش و کردها در ۳ محور شهر کوبانی خبر دادند. یک مقام وزارت دفاع آمریکا که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد: «جنگ و درگیری میان اعضای داعش و کردها از حدود یک هفته پیش تغییر نکرده است و کردها می‌توانند در برابر داعش ایستادگی بیشتری داشته باشند».

ترکیه ضمیمه شدن کریمه به روسیه را به رسمیت نمی‌شناسد

رئیس‌جمهوری ترکیه در کنفرانس خبری مشترک با همتای استونیایی خود گفت که کشورش ضمیمه شدن کریمه به خاک روسیه را به‌رسمیت نمی‌شناسد. رجب طیب اردوغان در دیدار با «توماس هندریک ایلوس» در خصوص امنیت بین‌الملل و همچنین روابط ۲ کشور به‌عنوان ۲ عضو ناتو مذاکره کرد. اردوغان در کنفرانس خبری مشترک پس از این دیدار به ضمیمه شدن استونی به شوروی سابق اشاره کرد و با ایجاد ارتباط میان این واقعه و رخدادهای جاری اروپا گفت که ترکیه همان گونه که الحاق استونی به شوروی را هیچ‌گاه به رسمیت نشناخت، ضمیمه شدن شبه جزیره کریمه به خاک روسیه را نیز به‌رسمیت نمی‌شناسد.

رفراندوم معترضان هنگ کنگی در خصوص پیشنهاد دولت

معترضان هنگ کنگی اعلام کردند پیشنهاد دولت را که هفته پیش از سوی آنها رد شده بود در یک نظرسنجی غیررسمی مطرح خواهند کرد. دولت هنگ کنگ به منظور پایان دادن به اعتراضات پیشنهاد کرده بود در این خصوص گزارشی به دولت مرکزی چین ارایه دهد. رهبران دانشجویان معترض روز پنجشنبه از طرح رأی‌گیری الکترونیک درباره پیشنهاد اصلاحات ارایه‌شده از سوی دولت خبر دادند. از معترضان این سوال پرسیده خواهد شد که آیا پیشنهاد دولت مبنی بر ارایه گزارشی درباره اعتراضات اخیر هنگ کنگ به شورای دولتی چین نتیجه‌ای در پی خواهد داشت یا خیر. این نظرسنجی روز یکشنبه انجام خواهد شد.

بوکوحرام ۶۰ زن و دختر نیجریه‌ای دیگر را ربود

تنها یک روز پس از اعلام آتش‌بس دولت نیجریه و گروه تروریستی بوکوحرام منابع محلی شمال شرق نیجریه از ربوده شدن ۶۰ زن و دختر دیگر توسط بوکوحرام خبر دادند. به گزارش ایسنا، به گفته ساکنان این منطقه درحالی که مردم دستیابی به توافق آتش‌بس از سوی دولت نیجریه با افراد مسلح بوکوحرام را جشن گرفته بودند، مشاهده کردند که افراد این گروه دست‌کم ۴۰ زن را در منطقه «واجا مانجارو» و ۲۰ تن دیگر را در منطقه «جارتا» ربودند. توافق صورت گرفته میان دولت نیجریه و شبه‌نظامیان بوکوحرام همچنین شامل آزادی بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز ربوده‌شده توسط شبه‌نظامیان این گروه می‌شود.